



علوم محیطی

علوم محیطی سال ششم، شماره سوم، بهار ۱۳۸۸
ENVIRONMENTAL SCIENCES Vol.6, No.3, Spring 2009

۱۹۳-۲۰۶

آسیب‌شناسی توجه روستاییان به محیط طبیعی و حفظ محیط زیست در برپایی مسکن

(نمونه مورد مطالعه: سکونتگاه‌های روستایی استان گیلان)

مهران علی‌الحسابی^۱، غزال راهب^{۲*}

۱- گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

۲- مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن

The Influence of Conservation of Natural Environment for Housing Development (Case Study: Rural Settlements of Gilan Province)

Mehran Alalhesabi¹, Ghazal Raheb^{2*}

1- Department of Urban Studies, Faculty of Architecture and Urban Studies, Iran University of Science and Technology

2- Building and Housing Research Center

Abstract

The aim of this article is to know the influence of environmental factors on development of rural housing in a specified zone and to evaluate them by others influential factor relative to each other from dwellers' views and to prioritize them. For this purpose, the factors effective on development process of rural housing must be identified first. We try to introduce the final factors and evaluate them. Selection of factors is followed by Derivation of a conceptual framework effective on selection of proper rural housing development method, using the existing resources and Specification and interpretation of the factors chosen using the case study method. The main result is achieving the desirability of development method of each building with respect of functioning for the user. More over the value of each of the factors in the process of rural housing development in the region have been presented. After defining all factors effective on the proper method of rural housing development in the selected area, the contribution and the way that factors effect on formation of this method were defined. The contribution of each mentioned factor in fulfilling the desirability of the building functionally for user were measured by multiple variable regression analysis and based on exploited data. Statistic analysis has been done by SPSS software.

Keywords: rural, rural housing, environment.

چکیده

توجه به محیط زیست و بستر طبیعی در برپایی مسکن روستایی از اهمیت بسیار برخوردار است. برپایی مسکن فرایند جامعی است که عوامل متعددی بر آن اثرگذار است. این مقاله به دنبال آن است که اهمیت این معیار را در مقایسه با دیگر معیارهای مؤثر بر برپایی مسکن روستایی در یک منطقه از ایران از نظر استفاده‌کنندگان مورد بررسی قرار دهد و به تحلیل نتایج دست‌یافته پردازد. در این راستا ابتدا معیارهای مؤثر بر برپایی مسکن روستایی در ایران از منابع و مستندات مرتبط با موضوع شامل نظریات مرتبط و تجارب داخلی و خارجی استخراج شده است. در ادامه، معیارها در منطقه مورد نظر تبیین، تدقیق و دسته‌بندی شده و با استفاده از روش مطالعه موردی در همان منطقه ارزش‌گذاری شده‌اند. منطقه منتخب برای مطالعات موردی استان گیلان در محدوده حاشیه دریای خزر انتخاب شده است. نتایج حاصل از مطالعات میدانی که داده‌هایی کیفی است، طی فرایندی به داده‌های کمی تبدیل شده و با دو هدف مورد تحلیل آماری قرار گرفته‌اند: تعیین معیارها و زیرمعیارهای نهایی با استفاده از روش تحلیل کلاستر و تعیین سهم هر یک از معیارهای نهایی در تأمین مطلوبیت کلی بنا از نظر کارکرد برای استفاده‌کننده با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره. سپس سهم معیارهای مرتبط با حفظ محیط زیست در تأمین مطلوبیت از نظر کارکرد برای استفاده‌کنندگان در مقایسه با دیگر معیارها مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان‌دهنده عدم اولویت معیارهای مرتبط با حفظ محیط‌زیست در مقایسه با دیگر معیارها و به‌خصوص معیارهای کاربردی است. این تحقیق در ادامه به تفسیر و بحث در خصوص علل این عدم اولویت پرداخته است.

کلید واژه‌ها: روستا، مسکن روستایی، محیط زیست.

* Corresponding author. E-mail Address: raheb@bhrc.ac.ir

مقدمه

تخریب محیط طبیعی، عدم هماهنگی شیوه‌های ساخت و ساز روستایی جدید با محیط بومی و نادیده گرفتن اصول توسعه پایدار در این گونه از بناها از مشکلات و مسائل عمده‌ای است که روستاهای ایران با آن روبرو است.

با وجود برنامه‌ریزی‌های گسترده‌ای که در سال‌های اخیر در ایران در زمینه مسکن روستایی انجام شده و اعتبارات کلانی که به این منظور اختصاص یافته است - بنا بر نظر کارشناسان - روند ساخت و ساز مسکن روستایی از منظر حفظ محیط زیست و توجه به بستر طبیعی از شرایط مطلوبی برخوردار نیست. اقدامات صورت گرفته در زمینه برپایی مسکن روستایی، اغلب اقداماتی یک‌سویه بوده و یا این که به کلیه ابعاد مرتبط با شیوه برپایی مسکن در روستا توجه نداشته است.

هماهنگی با بستر طبیعی و حفظ محیط زیست از معیارهای اساسی هستند که باید در ساخت و ساز روستایی مورد توجه قرار گیرند. اهمیت و اولویت این معیار در کنار دیگر معیارهای مؤثر بر برپایی مسکن روستایی از نظر استفاده‌کنندگان و سازندگان در لحاظ نمودن آن در برپایی مسکن بسیار تعیین کننده است. ضرورت توجه به محیط زیست و حفظ آن از نقطه نظر کارشناسی در دوران اخیر پوشیده نیست و سیاست‌گذاری‌های جهانی مؤید آن است. آنچه در این مقاله مدنظر بوده است، تعیین اهمیت کارکرد این معیار از دید استفاده‌کنندگان و بحث در خصوص نتایج آن نبوده است. یعنی شناخت میزان اهمیتی که هماهنگی با بستر طبیعی - حفظ محیط زیست و هماهنگی با اصول توسعه پایدار - از دید ساکنین - در مقایسه با دیگر معیارهای مؤثر بر برپایی مسکن داشته و همچنین بررسی علل آن بوده است.

بنابراین این مقاله در نظر دارد که با تعریف دقیق معیارهای مرتبط با حفظ محیط زیست در برپایی مسکن

روستایی در کنار دیگر معیارهای مؤثر، به جستجو در خصوص نقش و اهمیت آن دست از معیارها در مقایسه با دیگر معیارها از نظر استفاده‌کنندگان بپردازد.

روش و مراحل انجام تحقیق

این مقاله به دنبال اولویت‌بندی معیارهای مؤثر بر شیوه برپایی مسکن در سکونتگاه‌های روستایی یک محدوده مشخص و ارزش‌گذاری آنها نسبت به یکدیگر از دید ساکنین است تا از این رهگذر بتوان اهمیت توجه به محیط زیست و حفظ آن را در مقایسه با معیارهای دیگر را در محیط تعیین نمود. به این منظور در ابتدا باید معیارهای مؤثر بر فرایند برپایی مسکن روستایی در آن منطقه تعیین شوند. تعیین معیارهای مذکور خود فرایندی جداگانه است که شرح این فرایند موضوع مقاله حاضر نبوده است. لذا در اینجا تنها شرح مختصری از مراحل استخراج معیارها ارائه شده و در ادامه به معرفی معیارهای نهایی و ارزش‌گذاری آن‌ها در محیط منتخب پرداخته شده است. (Raheb, 2008)

مراحل استخراج معیارها عبارتند از:

۱. استخراج چارچوب نظری معیارهای مؤثر بر انتخاب شیوه مناسب برپایی مسکن روستایی با استفاده از منابع موجود در این زمینه. این چارچوب از حوزه‌های زیر استخراج شده است:

- نظریات، مشتمل بر شناخت مفهوم روستا و مسکن روستایی، نظریات مرتبط با نحوه مداخله در محیط انسان ساخت و به خصوص مناطق روستایی (با تأکید بر نظریاتی که بر مشارکت ساکنین تکیه کرده است) و نظریات مرتبط با فن‌آوری مناسب.

- تجارب داخلی شامل سیاست‌ها و برنامه‌های کلان و همچنین تجارب ساخت و بازسازی مسکن روستایی.

- تجارب کشورهای دیگر با تأکید بر کشورهای که

دارای شرایطی مشابه با شرایط ایران هستند.

۲. تبیین و تفسیر معیارهای استخراج شده با استفاده از روش مطالعه موردی

هدف این بخش از کار، تدقیق و نهایی سازی معیارها در محیط است. برای این منظور از روش مطالعه موردی استفاده شده است. چارچوب نظری اولیه زمینه‌ای را برای مطالعه موردی به دست می‌دهد که به همراه معیارهای استخراج شده از محیط معیارهای نهایی را تعیین می‌کند. مطالعات میدانی مبتنی بر روش‌های کیفی زمینه‌ای است. در تحقیق کیفی زمینه‌ای پژوهشگر در پی آن است که فارغ از ارائه باورها و تصورها، اجازه دهد که شرایط طبیعی محیط، داده‌ها را تعیین کند و سپس نظریه‌ای از میان داده‌ها به تکوین رسد. (Groat and Wang, 2002)

ابزار پیمایش مشاهده و مصاحبه بر مبنای سیاهه‌ها بوده و به این منظور است که مجموعه‌ای از اطلاعات را جهت اعمال نظر در اختیار کارشناسان قرار دهد. در این روش از مصاحبه عمیق با ساکنین بر اساس گفتگوی هدف‌دار استفاده شده و پژوهشگر برای کشف مقصود مورد پژوهش در پی چند موضوع اصلی برمی‌آید، ضمن آن که به چارچوب و ساختار عقاید پاسخ‌دهنده احترام می‌گذارد و با همراهی مصاحبه با مشاهده پژوهشگر مقصودی را که افراد از فعالیت‌های روزانه دارند، درک می‌کند. (Marshall and Rossman, 1995) برای این منظور براساس شیوه برپایی مسکن، گونه‌های مسکن موجود در منطقه شناسایی شد که اطلاعات میدانی در واحدهای مسکونی هر گونه به تفکیک بررسی شدند. حاصل مطالعات موردی دو بخش اساسی بود:

۱. جمع‌آوری اطلاعات درخصوص ارزش هریک از معیارها در فرایند برپایی مسکن روستایی در منطقه
۲. مطلوبیت شیوه برپایی بنا از نظر کارکرد برای استفاده کننده

در ادامه برای تبدیل داده‌های کیفی حاصل در هر گونه و در دو مورد فوق به داده‌های کمی، از روش سنجش طیف‌بندی^۲ و از طیف لیکرت^۳ پنج بخشی استفاده شد.^۴ (Rafipour, 2001)

حاصل این بخش از کار تجمیع و کاهش تعداد معیارها و یا اطمینان از تعداد و نحوه شکل‌گیری معیارهای موجود بود. برای این منظور از روش تحلیل خوشه‌ای سلسله مراتبی (کلاستر)^۵ استفاده شده است. بر این اساس، معیارهای نهایی و مؤلفه‌های سنجش هر معیار در منطقه تعیین شدند که در ادامه به آن پرداخته شده است. پس از تعیین مجموعه معیارهای مؤثر بر شیوه مناسب برپایی مسکن روستایی در منطقه انتخابی، سهم و نحوه اثر معیارها در شکل‌گیری این شیوه در منطقه تعیین شدند. سهم هریک از معیارهای فوق در تأمین مطلوبیت بنا از نظر کارکرد برای استفاده کننده با استفاده از تحلیل رگرسیون چندمتغیره^۵ و براساس داده‌های استخراج شده سنجیده شد. تحلیل آماری با استفاده از نرم‌افزار spss انجام شده است.

منطقه منتخب

بستر انتخابی استان گیلان انتخاب گردید که از نظر محقق به‌طور نسبی مناسب بود. مهم‌ترین علل انتخاب این منطقه را به عنوان منطقه منتخب می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- فراهم بودن امکان شناخت عمیق منطقه برای محقق
- وجود اطلاعات و آمار کافی و مدون جهت تحقیق
- تنوع متغیرهای مؤثر بر شکل‌گیری گونه‌ها در محیط
- محدودیت در وسعت منطقه به گونه‌ای که در عین تنوع، امکان اشراف بر آن در زمان و با امکانات محدود فراهم باشد.
- وجود گونه‌های بومی ارزشمند در منطقه
- پویایی منطقه از نظر شرایط زیستی و اقتصادی

با توجه به وسعت منطقه و تعداد زیاد روستاهای واقع در آن (Statistical Center of Iran, 2006) امکان پیمایش کل منطقه میسر نبود. به منظور محدود کردن بستر مطالعاتی که بتواند به طور نسبی معرف ویژگی های منطقه باشد، مطالعات اولیه انجام شد و بر اساس آن روستاهای نمونه انتخاب شد. بستر طبیعی استان گیلان در دو پهنه اصلی شکل گرفته است. نواحی کوهستانی، که به صورت مرزی آن را از غرب، جنوب غربی و جنوب در بر گرفته و از استان های مجاور، جدا می سازند و نواحی جلگه ای که بصورت نوار باریکی در حاشیه دریای خزر و حدفاصل دریا و کوهستان، از آستارا تا تنکابن امتداد یافته است. بدین ترتیب، شیب ناهمواری های استان، از غرب به شرق و از جنوب به شمال و به طور کلی از کوهستان به سمت دریا است. این بستر طبیعی موجب شکل گیری سکونتگاه های روستایی متفاوتی در سه پهنه کوهستانی، پای کوهی و جلگه ای شده است. این سه پهنه به علت قرارگیری در بسترهای طبیعی و عوارض جغرافیایی مختلف، از نظر شرایط آب و هوایی هر یک دارای مشخصاتی ویژه است. با افزایش تدریجی ارتفاع اراضی جلگه ای به سوی ارتفاعات البرز و تالش دوری از دریای خزر، در نواری به ارتفاع تقریباً ۱۵۰۰ تا ۳۰۰۰ متر، شرایط آب و هوای کوهستانی شکل می گیرد. این ناحیه، دارای زمستان های سرد طولانی و یخبندان و تابستان های معتدل و کوتاه است. از ویژگی های اصلی این محدوده، کاهش میزان بارندگی سالانه و دمای هوا و افزایش ریزش برف است که عمدتاً تا اوایل دوره گرم، بر سطح زمین انباشته می شود. (President Deputy Strategic Planning & Control, 2004)

ذوب تدریجی این یخ ها، منبع تغذیه آب های زیرزمینی، دشتهای پایکوهی و سرچشمه رودهاست. (Rahnamayi, 2003) از سوی دیگر، برخی از مناطق کوهستانی استان، در محدوده البرز جنوبی قرار می گیرند. این محدوده، بدلیل

دوری از جریانات هوایی شمال استان که رطوبت و بارش را به همراه داشته و سبب اعتدال هوا می گردد؛ دارای آب و هوای سرد کوهستانی است. سرمای هوا و نامناسب بودن شرایط جغرافیایی و اقلیمی و معیشتی ناشی از آن در مناطق کوهستانی سبب شده که روستاها در این مناطق توسعه چشم گیری نیابند و به ندرت روستاهای با جمعیت بیش از ۲۰۰ خانوار در این مناطق و به خصوص مناطق کوهستانی یافت می شود. در مناطق کوهپایه ای که حدفاصل کوهستان و دشت را در بر می گیرد، سکونتگاه ها اغلب در پای کوه و به گونه ای شکل گرفته که واحدهای مسکونی به صورت متراکم بر شیب پای کوه واقع شده و زمین های مسطح اطراف به کشاورزی اختصاص یافته است. شکل گیری سکونتگاه های روستایی در این مناطق رابطه معناداری با شبکه هیدروگرافی آن یافته است. بسیاری از آبادی ها به صورت خطی و به شکل دانه های تسیخ در کنار رودخانه ها و سرچشمه های آن قرار گرفته اند. این الگو بویژه در مناطق کوهستانی و پرشیب که در آن، رودخانه ها دره های پرشماری پدید آورده اند و پهنه های خاک قابل زرع نیز عموماً در حاشیه همین رودخانه ها یافت می شوند، با ابعاد بیشتری خودنمایی می کند. بدین ترتیب شاید علت پیدایش الگوی فوق تجمع آب و خاک در حاشیه دره رودخانه و در نتیجه امکان کشت و زرع آبی پیرامون رودخانه ها است. (Azimi, 1382) در منطقه کوهستانی مشکلات مختلفی همچون شرایط اقلیمی، صعوبت تردد و کاهش تدریجی میزان اکسیژن در ارتفاعات سبب شده که سکونت در ارتفاعات بالا کاهش چشم گیری یابد. همچنین کمبود زمین مسطح در مناطق مرتفع سبب شده است که سکونتگاه ها به صورت متراکم شکل گیرند و از عرصه های کوچکتری برخوردار باشند. در این مناطق کمبود زمین های مسطح که مناسب برای کاربری زراعی

است، سبب شده که معیشت ساکنین بیشتر به سمت دامداری سوق داده شود و شکل خانه در این مناطق متناسب با کاربری دامداری شکل گیرد. نمونه متداول خانه‌های این پهنه، خانه‌های دو طبقه‌ای است که بخشی از طبقه همکف آن در شیب زمین واقع شده و به عنوان محل نگهداری دام مورد استفاده قرار گرفته و طبقه اول دارای کاربری مسکونی است. سرمای هوا در مناطق کوهستانی و پای کوهی سبب شده که سکونتگاه‌ها متراکم‌تر و دارای بازشوهای محدودتری باشند. دیوارهای بنا ساخته شده اغلب دارای ضخامت زیاد بوده که موجب بالا رفتن ظرفیت حرارتی آن می‌شود. استفاده از مصالح سنگ و چوب به دلیل وفور آن در منطقه به چشم می‌خورد. به دلیل بارش فراوان سقف خانه‌ها شیبدار است. در مناطق جلگه‌ای که از پای کوه تا کناره دریای خزر کشیده شده است، جلگه وسیع گیلان و جلگه تالش، دارای آب و هوای نسبتاً معتدل خزری است. این نواحی بدلیل نزدیکی به دریای خزر و وجود دیواره البرز و فاصله اندک کوه و دریا، دمای معتدلی دارد که دامنه حرارتی آن محدود است. تابستان‌های گرم و مرطوب و زمستان‌های معتدل و مرطوب از ویژگی‌های عمده این نوع از آب و هواست. در این مناطق به دلیل وجود پهنه‌های مسطح وسیع، سکونتگاه‌ها غیرمتراکم شکل گرفته و در موارد بسیاری شاهد شکل‌گیری واحدها در مجاورت واحدهای مسکونی هستیم. در این منطقه نیز در بخش‌های که منابع آب یافت می‌شود، سکونتگاه‌ها در ارتباط با آن شکل می‌گیرند. به دلیل گرمای هوا و وجود رطوبت فراوان، شکل خانه‌ها اغلب گسترده و دارای بازشوهای وسیع است. به دلیل شدت بارش باران، سقف‌های شیبدار و با شیب زیاد به چشم می‌خورند. به دلیل شرایط مساعد طبیعی در این منطقه تراکم سکونتگاه‌ها بیشتر بوده و امکان رشد و توسعه بیشتری

دارند؛ به طوری که نمونه روستاهای بالای ۲۰۰ خانوار در این مناطق بیشتر به چشم می‌خورد. با توجه به موارد فوق، در ادامه رویکرد ساخت‌وساز بومی در این مناطق در رابطه با بستر طبیعی مورد بررسی قرار گرفته و به‌طور مختصر تشریح شده است.

معیارهای مؤثر بر برپایی مسکن و مؤلفه‌های سنجش آن

معیارهای مؤثر بر برپایی مسکن روستایی به دو دسته معیارهای مرتبط با محیط طبیعی و دیگر معیارهای مؤثر بر شیوه برپایی مسکن روستایی در منطقه تفکیک شده‌اند. این معیارها و مؤلفه‌های سنجش آن به شرح زیر هستند:

الف. معیارهای مرتبط با محیط طبیعی

۱. حفظ محیط‌زیست: منظور این است که شیوه برپایی بنا و همچنین قابلیت‌های مستتر در بنای برپاشده در مراحل استفاده از آن تا چه میزان بر اصول و مبانی حفظ محیط‌زیست پایبند بوده است و مانع از آسیب‌رسانی به منابع طبیعی شده است.

مؤلفه‌های سنجش:

- استفاده مناسب از انرژی: منظور بهینه‌سازی مصرف انرژی در ساختمان و کاهش اتلاف انرژی با تمهیدات لازم در مراحل مختلف برپایی است.
- استفاده از منابع اولیه کمتر: استفاده از منابع اولیه کمتر به معنای دوری جستن از اصراف و استفاده بی‌رویه از منابع محدود طبیعی می‌باشد.
- استفاده از منابع تجدیدپذیر: منظور استفاده از مصالحی است که قابلیت بازیافت و بازگشت مجدد به طبیعت را داشته باشد (Alexander et al., 1977; Sen, 2002).
- ۲. هماهنگی اقلیمی با محیط طبیعی: منظور هماهنگی کالبد بنای ساخته شده و همچنین شیوه برپایی بنا با عناصر اقلیمی و استفاده از راهکارهای مناسب جهت

تأمین آسایش در مقابل این عناصر، استفاده از پتانسیل‌ها و مقابله با اثرات منفی آن است.

مؤلفه‌های سنجش:

- باد: منظور تناسب وجوه مختلف برپایی بنا با باد غالب و سرعت و جهت آن در منطقه به منظور استفاده از آثار مثبت و کاهش آثار منفی آن است.

- بارش: منظور تناسب وجوه مختلف شیوه برپایی بنا با نوع، جهت بارش و میزان آن در منطقه است.

- رطوبت: منظور میزان هماهنگی وجوه مختلف برپایی با نوع و میزان رطوبت است.

- تابش: منظور نوع رویکرد در وجوه برپایی بنا به منظور استفاده بهینه از آثار مثبت و دوری جستن از اثرات منفی تابش است.

- دما: منظور تناسب وجوه مختلف شیوه برپایی بنا با دمای محیط به منظور تأمین شرایط آسایش در بنا و همچنین سهولت ساخت بنا است (Alexander et al., 1977; Fathy, 1993; Uni, 1965).

۳. هماهنگی با بستر طبیعی: هماهنگی با بستر طبیعی به معنای میزان تناسب شیوه برپایی و قابلیت‌های تعبیه شده در بنا در مراحل استفاده از آن با شرایط محیط است. همچنین استفاده بهینه از شرایط محیطی و نیروهای طبیعی مدنظر است.

مؤلفه‌های سنجش:

- پالایش نیروهای محیط: منظور تعبیه امکانات و راهکارهایی جهت استفاده بهینه از قابلیت‌های محیط در ساختمان و فرآوری نیروهای محیطی است.

- شیب زمین: منظور توجه به درصد شیب، جهت و نوع آن است.

- سیمای محیط: منظور عدم تعارض بنا با جغرافیای طبیعی و بستر طبیعی است که بنا در آن واقع شده است. (Housing Foundation, 2005)

ب. معیارهای دیگر

معیارهای دیگر مؤثر بر فرایند برپایی مسکن در کنار معیارهای زیست محیطی به اجمال عبارتند از:

۱. پویایی: پویایی به معنای رشد و تحرک و امکان بهینه‌سازی بنا براساس خواست‌ها و نظرات ساکنین است. بنای پویا بنایی است که همچون موجودی زنده واجد فرایند شکل‌گیری و حیاتی متداوم باشد. مؤلفه‌های سنجش این معیار، تنوع بخشی، تغییرپذیری و امکان توسعه هستند. (Alexander et al., 1977; Habraken, 1998)

۲. سازگاری اجتماعی: سازگاری اجتماعی بنا هماهنگی با بستر اجتماعی است که در آن واقع است؛ به گونه‌ای که بتواند در تناسب با هنجارها، ارزش‌ها و باورها و سنت‌ها کیفیت مطلوبی را به ساکنین آن در رابطه با دیگر اعضای جامعه القا نماید. مؤلفه‌های سنجش این معیار، توجه به ارزش‌های اجتماعی و هماهنگی با کارکردهای اجتماعی است. (Moatasim, 2005; Pultar, 2000)

۳. افزایش توانمندی اجتماعی: رویکرد اتخاذ شده در برپایی ساختمان در یک سکونتگاه روستایی و تبعات آن نگرش‌ها، انتظارات و به‌طور کلی فرهنگی را شکل می‌دهد که می‌تواند نقشی مؤثر در زمینه رفتار و عادات اجتماعی داشته باشد. مراد از عبارت فوق این است که رویکرد اتخاذ شده در برپایی تا چه حد در زمینه خوداتکایی و استفاده از قابلیت‌ها جامعه که خود موجب افزایش توانمندی آن‌ها می‌شود، مؤثر بوده است. مؤلفه‌های سنجش این معیار، تقویت حس تعاون و مشارکت، کنترل و مدیریت کار، خودکفایی و میزان ارتقای شیوه زندگی و فرهنگ ساکنین است. (Turner, 1977; Afghanistan MRRD, 2003; ERRA-Pakistan, 2006)

۴. رشد فردی: نقش رویکرد برپایی در رشد و شکوفایی توانمندی روحی- روانی و کارکرد ساکنین مدنظر

بوده است. مؤلفه‌های سنجش این معیار، افزایش اعتماد به نفس، پرهیز از تجملات، مطلوبیت کار کردن و ساخت خانه هستند. (Turner, 1977).

۵. تداوم فرهنگی: منظور میزان توجه به بستر تاریخی است که بنا در آن واقع می‌گردد، به گونه‌ای که بنای برپا شده در تداوم منطقی با سنت ساخت و ساز قرار گیرد و پدیده حاصل در تعارض با زمینه کالبدی موجود واقع نگردد. مؤلفه‌های سنجش این معیار، حفظ هویت بومی و پی‌ریزی سنت ساخت و حفظ سیمای محیط مصنوع است.

(Housing Foundation, 2005; Rafiee Sereshki & Niroomand, 1983)

۶. تداوم کاربردی: منظور میزان سهولت، عملی بودن و منطقی بودن نگهداری بنا است؛ به گونه‌ای که با گذشت زمان و با حفاظت و نگهداری بنا بر ارزش آن افزوده گردد. مؤلفه‌های سنجش این معیار، توانایی افراد در تعمیر و نگهداری، پایین بودن هزینه تعمیر و نگهداری و قابلیت تبدیل به کالای سرمایه‌ای است. (Broome, 2005; Uni, 1965)

۷. استحکام: منظور مقاومت بنا در برابر نیروهای طبیعی معمول و متداول، نیروهای غیر متداول و دفعتی و همچنین فرسایش در اثر تماس با محیط و اعمال اثرات آن و استفاده از بنا در اثر گذر زمان است. مؤلفه‌های سنجش این معیار، مقاومت در برابر زلزله، مقاومت در برابر شرایط جوی و طبیعی، کیفیت ساخت و دوام است.

(Serlad Engineer Group, 1982)

۸. کارایی کالبدی: منظور هماهنگی فیزیکی بنا با ضرورت‌ها، نیازها و خواست‌های ساکنین است. به گونه‌ای که در شیوه برپایی تأمین این نیازها پیش‌بینی شده و کالبد و فضاها ایجاد شده در شیوه برپایی دارای قابلیت‌های لازم برای تأمین موارد مهندسی

عوامل انسانی و همچنین متناسب با رفتارهای انسانی باشد. مؤلفه‌های سنجش این معیار، ضوابط ابعادی، بهداشت، توجه به خواست‌ها و علائق ساکنین، تطابق با نیازها و رفع کمبودها، ایجاد امنیت و قابلیت ایجاد زیرساخت‌ها و تسهیلات خدماتی رفاهی است.

(Alexander et al., 1977)

۹. مطلوبیت بصری: منظور تطابق با اصول زیبایی‌شناسی، کیفیت مطلوب فضایی و تناسب با زیبایی‌شناسی ساکنین است. مؤلفه‌های سنجش این معیار، تناسبات فضایی، زیبایی، و ایجاد رابطه مناسب میان فضای باز و بسته است. (Uni, 1965)

۱۰. کارایی اجرایی: منظور از کارایی اجرایی تأمین آسان الزامات مرتبط با برپا نمودن بنا و تسهیل روند اجرا است؛ به گونه‌ای که عوامل مداخله‌گر موجبات توقف در روند کار را ایجاد نکند. مؤلفه‌های سنجش این معیار، سرعت اجرا، عدم وابستگی تام به نیروی متخصص، عدم نیاز به تجهیزات پیچیده و غیر قابل دسترس، دستیابی به استحکام تدریجی، قابلیت رفع خطا و اشکالات، سادگی انجام کار و امکان دسترسی آسان به منابع است.

(Alexander, 1975; Broome, 2005)

۱۱. هزینه: منظور میزان اعتبار صرف شده در برپایی مسکن، قابل قبول بودن این هزینه در تناسب با اولویت‌بندی نیازهای خانوار و اتخاذ روش‌های کاهش این هزینه است. مؤلفه‌های سنجش این معیار، ارزانی، تناسب هزینه مسکن به اعتبار اختصاص یافته و هماهنگی با اقتصاد جاری و نوع معیشت است.

(Housing Foundation, 2005)

۱۲. توسعه اقتصادی: منظور تأثیر رویکرد اتخاذ شده در شیوه برپایی در رونق اقتصادی منطقه و ارتقای شاخص‌های توسعه اقتصادی در منطقه است. مؤلفه‌های سنجش این معیار، گسترش صنایع بومی و

افزایش ظرفیت تولید، رونق بخشی به تجارت منطقه و کاهش بیکاری و تربیت نیروی ماهر است. (Afghanistan MRRD, 2003; ERRR-Pakistan, 2006)

معیارهای نهایی مؤثر بر برپایی مسکن و مؤلفه‌های سنجش آن

چنانچه در روش و مراحل تحقیق اشاره شد، در ادامه معیارهای فوق در بستر مطالعه ارزشگذاری شده و داده‌های حاصل مورد تحلیل آماری قرار گرفت. نتیجه این تحلیل - که با استفاده از روش تحلیل خوشه‌ای سلسله مراتبی - انجام شد، شناخت همپوشانی معیارها و تعیین معیارهای نهایی بود. معیارهای نهایی در منطقه به شرح زیر است:

۱. ارتقای کارایی اجرایی از نظر نیروی کار و هزینه
۲. هماهنگی اقلیمی با محیط طبیعی
۳. کارایی کالبدی
۴. افزایش توانمندی‌ها و سازگاری اجتماعی
۵. استحکام
۶. پویایی
۷. توسعه اقتصادی
۸. هماهنگی و حفظ محیط طبیعی
۹. تداوم فرهنگی
۱۰. مطلوبیت بصری
۱۱. تداوم کاربردی

از میان یازده معیار ذکر شده دو معیار هماهنگی اقلیمی با محیط طبیعی و هماهنگی و حفظ محیط طبیعی از معیارهای مرتبط با زیست بوم و محیط طبیعی است که در ادامه در قیاس با نه معیار دیگر در شرایط مساوی بررسی و ارزیابی خواهند شد.

تعیین میزان تأثیر معیارها در تعیین مطلوبیت با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره.

در ادامه سهم هر یک از معیارها در تأمین مطلوبیت کلی برپایی در منطقه از نظر استفاده کننده تعیین شده است. در این بخش، معیارها به عنوان متغیرهای مستقل^۶ پیش‌بینی کننده و مطلوبیت بنا به عنوان متغیر وابسته^۷ پیش‌بینی شونده هستند. در این روش متغیر وابسته از روی یک مجموعه متغیر پیش‌بینی کننده یا مستقل پیش‌بینی شده و فرضیه‌های مربوط به مدل‌های مختلف بین متغیر وابسته و یک مجموعه از متغیرهای پیش‌بینی کننده را مورد آزمایش قرار دهد. (Shiolson, 1994) وظیفه رگرسیون چندمتغیری این است که به تبیین واریانس متغیر وابسته کمک کند و این وظیفه را تا حدودی از طریق برآورد مشارکت متغیرها (دو یا چند متغیر مستقل در این واریانس) به انجام می‌رساند. (Kerlinger, 2005) نتایج تحلیل‌های آماری به شرح زیر است:

جدول ۱- میزان تأثیر هر یک از معیارها در تأمین مطلوبیت کلی

معیار	سهم معیار	درصد
پویایی	۰/۰۲	۲٪
افزایش توانمندیها و سازگاری اجتماعی	۰/۱۰	۱۰٪
ارتقای کارایی اجرایی از نظر نیروی کار و هزینه	۰/۵۴	۵۴٪
تداوم کاربردی	۰/۰۰۱	۰
هماهنگی اقلیمی با محیط طبیعی	۰/۱۵	۱۵٪
استحکام	۰/۰۶	۶٪
کارایی کالبدی	۰/۱۰	۱۰٪
توسعه اقتصادی	۰/۰۲	۲٪

تحلیل و بررسی

نسبت‌های استخراج شده در جدول ۱ بیانگر میزان تأثیر هریک از معیارها در تأمین مطلوبیت کلی از دید استفاده‌کننده است. با توجه به موضوع این تحقیق که مقایسه تأثیر معیارهای وابسته به محیط‌زیست با دیگر معیارها در تأمین مطلوبیت بنا از دید استفاده‌کننده است، موارد زیر قابل ذکر است:

معیار «هماهنگی و حفظ محیط طبیعی» در برپایی مسکن روستایی از نظر کارکرد برای استفاده‌کننده اولویت نداشته است؛ به گونه‌ای که سهم آن در تأمین مطلوبیت بنا از نظر استفاده‌کننده تقریباً معادل صفر بوده است. اما نداشتن اولویت به معنای تأیید عدم توجه به این معیار در شیوه مناسب برپایی مسکن روستایی نیست. در برنامه‌ریزی‌های اخیر در ایران و سایر کشورها توجه به معیارهای تأمین‌کننده اهداف توسعه پایدار در سراسر جهان مورد توجه بسیار قرار گرفته است. از آغاز دهه ۱۹۹۰ میلادی، اندیشه توسعه پایدار [سکونتگاه‌ها] در بین تصمیم‌گیران و متفکران یک موضوع ریشه‌ای و بسیار مهم بوده است. (Pugh, 2005) با مروری بر روش دستیابی به مطلوبیت و تعریفی که از آن ارائه شده است، می‌توان به این نکته دست یافت که هماهنگی و حفظ محیط طبیعی با توجه به مؤلفه‌های تعریف آن، معیاری هستند که به علت شرایط بحرانی حاکم بر سکونتگاه‌ها و به خصوص سکونتگاه‌های روستایی از منظر کارشناسان عامل مهمی است. اما برای ساکنین روستا به عنوان یک مسأله که بر نگرش به مطلوب بودن خانه از دید آن‌ها تأثیر گذار باشد، مطرح نبوده است. دستیابی به اهداف توسعه پایدار از دید ساکنین اولویت چندانی نداشته و بیشتر از دید کارشناسان مطرح بوده است. این مسأله وضعیت مشابهی را در خصوص معیار تداوم فرهنگی دارد که بیانگر عدم وجود دغدغه حفظ هویت بومی و تداوم فرهنگی از نظر

ساکنین است. درحالی که توجه به معیارهای حفظ هویت بومی و تداوم فرهنگی در ایران، به دلیل شرایط بحرانی حاکم، از بین رفتن هویت بومی سکونتگاه‌های روستایی و پذیرش بی‌قید و شرط الگوهای شهری در روستاها مورد توجه بسیار واقع شده است: روستاها و روستانشینان درگیر مسابقه‌ای شده‌اند که هدف آن حذف تمامی مظاهر زندگی و شیوه‌های زیست روستایی و آثاری است که به این روش زندگی قالب کالبدی بخشیده‌اند و برنده این مسابقه امتیاز روستا نبودن و به عبارتی «شهر شدن» را می‌یابد. (Alalhesabi, 1386)

- معیارهای «هماهنگی اقلیمی با محیط طبیعی» تأثیر معنادار، اما متوسطی در برپایی مناسب مسکن روستایی از نظر کارکرد برای استفاده‌کننده داشته است. این معیار با کمی اعتبار بیشتر، تأثیر مشابهی با معیارهای «افزایش توانمندی‌ها و سازگاری اجتماعی» و «کارایی کالبدی» در انتخاب شیوه مناسب برپایی مسکن روستایی از نظر کارکرد برای استفاده‌کننده در منطقه مورد نظر داشته و بنابراین می‌توان اهمیت هماهنگی اقلیمی با محیط طبیعی در ساخت بنا از دید استفاده‌کننده را کمی بیشتر از اهمیت دو معیار «افزایش توانمندی‌ها و سازگاری اجتماعی» و «کارایی کالبدی» فرض نمود.

- مقایسه حکایت از آن دارد که معیارهای وابسته به محیط‌زیست در مجموع حدود ۱۵٪ و بقیه معیارها ۸۵٪ از امتیاز را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین در میان معیارهای دیگر، معیار «ارتقای کارایی اجرایی از نظر نیروی کار و هزینه» با اختصاص ۵۴٪ از امتیاز کلی اهمیت زیادی در برپایی مسکن روستایی از نظر استفاده‌کننده داشته است. مشاهدات میدانی و مصاحبه با ساکنین در روستاهای منطقه حکایت از اهمیت بسیار زیاد هزینه ساخت از نظر ساکنین داشت. ادغام معیار هزینه در معیار موردنظر عامل مهمی در افزایش سهم این معیار در

تأمین مطلوبیت است. معیار «استحکام»، تأثیر معنادار، اما غیرچشم‌گیری در برپایی مسکن روستایی از نظر کارکرد برای استفاده‌کننده داشته‌است. این معیار تنها بخش کوچکی از مؤلفه‌های سنجش مطلوبیت بنا برای استفاده‌کننده محسوب شده و نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در تعریف مطلوبیت نداشته‌است. از طرف دیگر در تعداد اندکی از نمونه‌ها استحکام از امتیاز مناسبی برخوردار بوده‌است که عدم رعایت استحکام توسط ساکنین به معنی کم‌ارزش تلقی نمودن آن محسوب نمی‌شود؛ بلکه ناشی از عدم درک صحیح مفهوم استحکام بنا و اهمیت آن است. معیارهای «پویایی» و «توسعه اقتصادی» تأثیراتی اندک، اما معنادار در شیوه مناسب برپایی مسکن روستایی از نظر کارکرد برای استفاده‌کننده داشته‌اند. بنابراین این معیارها باید در کنار دیگر معیارها به‌عنوان معیارهایی قابل توجه طرح شوند. معیار «تداوم کاربردی» نیز تأثیر بسیار ناچیزی در شیوه مناسب برپایی مسکن روستایی از نظر کارکرد برای استفاده‌کننده داشته‌است. اما مؤلفه‌های سنجش این معیار به‌نحوی در مؤلفه‌های سنجش معیار «ارتقای کارایی اجرایی از نظر نیروی کار و هزینه» مستتر است. معیار «مطلوبیت بصری» در شیوه مناسب برپایی مسکن روستایی از نظر کارکرد برای استفاده‌کننده اولویت نداشته‌است. دلیل این امر را نیز می‌توان در پیوند عمیق میان مفهوم مطلوبیت بصری با تأمین عملکردها در معماری روستایی و تأکید بر وجه کاربردی آن ذکر نمود. در مجموع از میان مجموعه معیارهای ذکر شده معیارهای مرتبط با تأمین نیازهای اولیه ساکنین اهمیت بیشتری داشته‌اند.

نتیجه

نتایج به دست آمده از این تحقیق، نشان‌دهنده عدم اولویت توجه به محیط زیست، حفظ آن و هماهنگی با

محیط از منظر کارکرد برای استفاده‌کننده و بی‌اعتنایی نسبی ساکنین به حفظ الگوهای بومی ساخت‌وساز و تداوم هویت بومی است. بالعکس معیارهایی که در ساخت و کاهش هزینه آن، ایجاد شرایط مناسب عملکردی و تأمین آسایش ساکنین نقش مهمی دارند، از نظر استفاده‌کننده در اولویت قرار گرفته‌اند. این درحالی است که از نظر جامعه کارشناسی در سطح ایران و جهان، از میان رفتن محیط زیست از یک طرف موضوع بسیار مهمی محسوب شده و بحث‌های توسعه پایدار و تدابیر اتخاذ شده از طرف سازمان محیط زیست، به‌دنبال راهکارهایی در جهت رفع این مشکل است.

تفسیر و تحلیل نتایج

در ابتدا توجه به این موضوع حائز اهمیت است که منظری که مطلوبیت براساس آن مورد بررسی و ارزشگذاری قرار گرفته‌است، مطلوبیت بنا را به‌عنوان یک پدیده واقع از منظر تأثیر بر استفاده‌کننده و با در نظر گرفتن آرا و نظرات او مورد سنجش قرار داده‌است. به این معنا که معیار امتیاز کارشناس توجه به تأثیر بنا بر کمیت و کیفیت زندگی ساکنین از زاویه نگاه خود آنان بوده‌است. یعنی معیارهای سنجش مطلوبیتی که سهم هر معیار در تأمین آن تعیین شده‌است، مطلوبیت را از منظر حوزه نگاه استفاده‌کننده و تأمین رضایت وی دیده‌است و چنانچه نتایج تحلیل‌ها نیز نشان می‌دهد، این زاویه نگاه، تفاوت‌هایی را با معیارهای مورد نظر کارشناسی در پی خواهد داشت. بنابراین توجه به این نکته حائز اهمیت است که در تفسیر و تحلیل نظری نتایج تحلیل‌های آماری، عدم کسب امتیاز برخی از معیارها در تأمین مطلوبیت به معنای عدم اهمیت معیار مورد نظر نیست.

با توجه به این نکته و با مقایسه نتایج حاصل از تحلیل‌های آماری و نظرات ساکنین، در خصوص مقایسه معیارهای

مرتبط با حفظ محیط زیست می توان بیان نمود:

با تعمق در سنت سکونت و شیوه زندگی روستاییان و مروری بر سیر تحول آن و همچنین نگاهی واقع بینانه به شرایط موجود زندگی روستاییان، می توان ریشه های این تمایز بین اولویت های مورد نظر ساکنین و جامعه کارشناسی را باز شناخت؛ دلایل مورد نظر به شرح زیر است:

۱. نخستین دلیلی که موجب اولویت بخشیدن به معیارهای مرتبط با تسهیل شرایط ساخت، تأمین شرایط آسایش و عملکرد مناسب از دید ساکنین شده است، تلاش آنان برای تأمین نیازهای اولیه زندگی خود است. طبق نظریه مازلو- که تأمین مطلوبیت از دید ساکنین نیز از آن منظر بررسی شده است- پرداختن به سطوح عالی نیازهای انسانی منوط به تأمین نیازهای مراحل پایین تر که ایجاد شرایط آسایش و امنیت ساکنین در آن دست قرار میگیرد، است. در جوامع روستایی امروز، اکثر ساکنین از نظر تأمین شرایط مطلوب اولیه زندگی در خانه های خود با مشکل مواجه هستند. از آنجا که این محرومیت تا حدی نسبی است، با گسترش ارتباط روستاییان با جوامع پیشرفته از طریق رسانه ها و یا آمد و شد روستاییان به شهرها، آگاهی و شناخت آنان به میزان محرومیت خود افزایش یافته است. یعنی محرومیت نسبی ساکنین از شرایط اولیه زندگی مطلوب، رشد و گسترش یافته است. بنابراین توجه روستاییان به تأمین مرحله اول نیازها معطوف شده و از پرداختن به سطوح متعالی نیازها که توجه به حفظ محیط زیست و یا حفظ هویت بومی در آن دست قرار می گیرد، باز مانده اند. با توجه به اهمیت نیازهای اولیه و تأثیر عمیق آن در زندگی ساکنین، معیارهایی که در تأمین شرایط اولیه مناسب زندگی مؤثرتر واقع گردند، در

اولویت قرار می گیرند. بر این اساس است که حتی از میان معیارهای مرتبط با محیط طبیعی، معیار هماهنگی اقلیمی به دلیل تأمین شرایط آسایش مناسب از دید ساکنین با اقبال بیشتری روبرو می شود.

۲. گسست اجتماعی در جوامع روستایی موجب شده است که ناخود آگاه جمعی که روزگاری کلیه فعالیت های جوامع روستایی را جهت می داد، کم رنگ شود. بسیاری از مفاهیم، همچون احترام به طبیعت و اعتقاد به آن به عنوان مادر و بستر پرورش حیات زمانی جزء اعتقادات پایدار ساکنین محسوب می شد که ریشه در ناخود آگاه جمعی آنان داشت. اما امروزه این اعتقاد در میان ساکنین کم رنگ شده است و حفظ محیط طبیعی و جلوگیری از تخریب طبیعت، معیاری تعیین کننده از نظر نسل جدید ساکن روستا محسوب نمی شود. این نگاه به طبیعت که آن را به عنوان منبع ذخیره انرژی دیده که تنها رابطه انسان با آن رابطه مصرف کنندگی است، دستاورد زندگی نوینی است که در مقیاس جهانی و از شهرها به روستاهای کشور وارد شده است. ضرورت بازگشت به طبیعت و تلاش برای حفظ آن، الزامی برای بقای انسان است که هم اکنون در جوامع مبدأ فن آوری مصرف کننده که طبیعت را به عنوان منبع ذخیره انرژی تصور می کردند، طرح شده است و جوامع روستایی هنوز به خود آگاهی در این زمینه نرسیده اند؛ از این رو حفظ محیط زیست به عنوان ضرورتی تعیین کننده و معیاری واجد اولویت در جوامع روستایی محسوب نمی شود؛ همچنان که در جامعه عوام شهری نیز این مسأله به چشم می خورد.

۳. سومین دلیلی که می توان به عنوان ریشه این تمایز برشمرد، تفاوت ارزش های اجتماعی و معیارهای زیبایی شناسانه مورد نظر ساکنین است. مسکن مورد

علاقه روستاییان، خانه‌ای است که در تقرب با خانه‌های شهری باشد و یا نشانی از عناصر خانه‌های شهری در آن لحاظ شده باشد. این مسأله در روستاهایی که ارتباط بیشتری با شهرها دارند، عیان‌تر است. در جوامع امروز روستایی از دید اغلب ساکنین، خانه‌ای مورد پسند واقع می‌شود که متناسب با الگوهای شهری شکل گیرد و تکرار الگوهای بومی و یا نزدیکی به آن و یا توجه به بستر طبیعی، ارزش محسوب نمی‌شود.

۴. بررسی اولویت معیارها از منظر کارکرد برای استفاده‌کننده نشان می‌دهد که معیارهایی که در رابطه مستقیم با شرایط زندگی ساکنین قرار گرفته و تأثیر آن سریع‌تر در برپایی بنا دیده می‌شود، همچون کاهش هزینه و قابلیت ساخت آسان‌تر، همچنین هماهنگی با نیازهای فردی و جمعی و تأمین شرایط آسایش فیزیکی، نسبت به معیارهایی که حضور متأخرتری داشته و تأثیر آن مدتی پس از ساخت بنا آشکار می‌شوند، اهمیت کمتری از نظر استفاده‌کننده داشته‌اند. درخصوص توجه به محیط زیست نیز این مسأله صادق است. اثرات ناشی از تخریب محیط زیست موضوعی ثانویه است که ساکنین نسبت به آن درک محسوسی ندارند. از این مطلب می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که اولویت معیارها از دید ساکنین تا حد زیادی وابسته به درک ضرورت موضوع و به عبارت دیگر شناخت خودآگاه ساکنین از آن معیار است. ساکنین خانه‌های روستایی به دلیل ارتباط مستقیم با معیارهای اولیه‌ای که ذکر شد، نسبت به آن به شناخت خودآگاه رسیده‌اند، اما این موضوع در مورد معیارهایی که اثرات آن در بدو امر ظاهر نمی‌شود، صادق نیست. براساس مباحث طرح شده

در این بخش، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که شناخت واقعی نیازها توسط خود ساکنین که معیارهای طرح شده نیز در راستای آن تعریف شده‌اند، از اهمیت بسیار برخوردار است. در واقع با شناخت همه جانبه و صحیح معیارهاست که روستائیان می‌توانند به اولویت‌بندی واقعی آن‌ها و تصمیم‌گیری صحیح دست یابند. روستاییان باید به شناخت خودآگاه نسبت به این معیارها دست یافته و از منظر رفع مشکلات فردی و اجتماعی به آن بنگرند. چراکه برخی از این معیارها کاملاً فردی است و حیطه اثر آن به خانوار محدود می‌شود و در برخی دیگر، تأثیرات آن در سطح جامعه دیده می‌شود. از این رو آگاه ساختن ساکنین نسبت به اهمیت معیارهایی همچون توجه به محیط زیست که تأثیرات اجتماعی دارند و باور این موضوع که نحوه برخورد با این دست معیارها، زندگی آنان را نیز متأثر خواهد کرد، از اهمیت بسیار برخوردار است.

چنانچه پیشتر نیز ذکر شد، این نتیجه به معنای عدم اولویت بخشی به معیارهای زیست محیطی نیست؛ بلکه هدف این تحقیق یافتن علل عدم توجه ساکنین به چنین معیارهایی است. با نگاه واقع‌بینانه به اهمیت موضوع از دید ساکنین و جستجو در علل آن، می‌توان به آسیب‌شناسی موضوع و تلاش در جهت رفع آن پرداخت. به طور قطع عدم همسویی ساکنین با اولویت‌ها و اهداف کلان توسعه پایدار در کشور موجب می‌شود که اهداف برنامه‌ریزی شده در این راستا یا محقق نشود و یا این که به سختی تحقق یابد. بنابراین به کارگیری راهکارهایی به منظور آگاه ساختن مردم نسبت به محیط زیست و نقش آن در تأمین اهداف میان‌مدت و دراز مدت جوامع روستایی از اهمیت بسیار برخوردار است.

Urban Planning and Architecture Research Center of Iran.

Ballantyne, A. (2002). *What is Architecture? From Techne to Tectonics*, London: Routledge Press.

Broome, J. (2005). *Mass housing cannot be sustained*. In: Peter Blundel Jones , Doina Petrescu, Jeremy Till (Eds.) *Architecture and participation*. London: Spon Press.

Building and Housing Research Center (2007). *Iranian Code for Seismic Resistant Design of Buildings. Standard NO:2800*, Tehran: Building and Housing Research Center.

ERRA-Pakistan (2006). *Building back better: rural housing reconstruction strategy of earthquake hit districts in NWFP and AJK*. Karachi: Draft policy document rural housing reconstruction.

Green, Ch. (1965). *Rural Housing: Some Obstacles to Improving Present Conditions*. Editors: Oakly, D., Unni, K. , New Delhi: The School of Planning & Architecture.

Groat, L. and D. Wang (2002). *Architectural Research Methods*. Translated by: Eynifar, A.R., Tehran: Tehran University Press.

Habraken, N.J. (1998). *The structure of the ordinary: form and control in the built environment*, Cambridge, The MIT Press.

Kerlinger, P. (2005). *Multiple Regression in Behavioral Research*. Translated by: Sarai, Hasan. Tehran: Samt press.

Marshall, C. and G. B. Rossman (1995). *Designing Qualitative Research*. Translated by: Parsayan, A. &

پی‌نوشت‌ها

۱. برای اطلاع کامل از روش و منبع استخراج معیارها

رجوع شود به: Raheb, (2008).

2. Scaling Techniques

3. Likert- Scale

۴. برای اطلاع از داده‌های حاصل از نتایج پرسشنامه

مرتبط با جمع‌آوری نظر کارشناسان، جمع‌بندی

نظرات ۵ کارشناس به تفکیک گونه‌ها و همچنین

نتایج نهایی میزان اهمیت هر یک از معیارها در برپایی

مسکن که در واقع خلاصه و میانگین نظرات ۵

کارشناس محسوب می‌شود، به متن و پیوست‌های

پایان نامه رجوع شود.

5. Multiple Regression Analysis

6. Independent Variable

7. Dependent Variable

منابع

Afghanistan. M.R.R.D. (2003). *Provision of shelter assistance to vulnerable families in rural Afghanistan-government guidelines for agencies funding, implementing and monitoring shelter activities in rural Afghanistan*. Final Draft, 13 April 2003.

Alalhesabi, M. (1386). *Introduction to Rural Housing Design, Rural Housing Design of Iran*. Editor: Raheb, G. Tehran: Building & Housing Research Center.

Alexander, C (1975). *The Oregon experiment*. New York: Oxford University Press.

Alexander, C., S. Ishikawa, M. Silverstein (1977). *A pattern language: towns, buildings, construction*. New York: Oxford University Press.

Azimi, N. (1382). *The Methodology of Settlements networks in Regional Physical Planning*. Teharn:

- Housing foundation.
- Sen, K. (2002). *Development and Participation*, New Delhi: Oxford University Press.
- Serlad Engineer Group report (1982). *Renovation of Vazrak village*. Tehran: Building and Housing Research Center.
- Shiolson, R. (1382). *Statistical Reasoning in Behavioral Science*. Translator: Kiamanesh, Alireza, Tehran: Alame Tabatabaee Press.
- Statistical Center of Iran (2006). *Rural Settlements ID*. Gilan Province. Tehran: Statistical Center of Iran.
- Turner, J. (1977). *Housing by People: Towards Autonomy in Building Environments*. New York: Marion Boyars.
- Uni, K.R. (1965). *Dimensions of Change in Village Homes and House Groupings*. The Rural Habitat, Editors: Oakly, D., Unni, K. , New Delhi: The School of Planning & Architecture.
- A'arabi, S. M . Tehran: Cultural Research Bureau Press.
- Moatasim, F. (2005). *Practice of community architecture: a case study of zone of opportunity housing cooperative, Montreal*. School of Architecture, McGill University.
- President Deputy Strategic Planning and Control (2004). *Social- Economical Report of Gilan Province*. Tehran: President Deputy Strategic Planning and Control.
- Pugh ,C. (2005). *Sustainable Cities in Developing Countries*. Translated by: Moharram Nejad. Tehran: Center for Architectural & Urban Studies and Research.
- Pultar, M. (2000). *Ethics and the built environment*. Editor: Fox, W., London: Routledge.
- Rafipour, F. (2001). *Researches and Imaginations*, Tehran: Enteshar Sahami Press.
- Raheb, Gh. (2008). *The System for Identification Criteria of Selection Housing Appropriate Methods in Rural Settlements of Caspian sea Shore*. Ph.D.Thesiss. Tehran, Iran University of Science & Technology.
- Rahnamayi, M. T. (1382). *Environmental Potentials of Iran*. Tehran: Urban Planning and Architecture Research Center of Iran.
- Rafiee Sereshki, B. & M. Niroomand (1983), *Reconstruction of Seismic area in south of Khorasan- Gonabad*, Tehran, Ministry of Housing & Urban Development of Iran.
- Rural Planning group(2005), report of Project of Rehabilitation of rural housing in Iran. Tehran:

